

نقش عوامل جغرافیایی - محیطی در شکل‌گیری رفتار انسان:

مطالعه موردی شهر تهران

امیر بختیاری

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

عبدالرضا ادیمی^۱

دانشیار جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مجید کفاشی

دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی نقش عوامل جغرافیایی - محیطی در شکل‌گیری رفتار انسانی انجام شده است. پژوهش با رویکرد کیفی، تفسیری و روش گراند تئوری انجام شده است؛ گردآوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه‌ی عمقی با ۳۰ نفر از زنان و مردان ساکن شهر تهران انجام شده است که روش انتخاب آنان، نمونه‌گیری نظری هدف‌مند بوده است. یافته‌های این تحقیق پس از مستندسازی در یک فرآیند علمی و با استفاده از کدگذاری داده‌ها در سه فاز بدست آمده است. در این پژوهش یک گونه‌شناسی از رفتار انسانی ارائه شده که در قالب مدل پارادایمی قرار دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عوامل جغرافیایی محیطی در شکل‌گیری رفتار انسانی (عشق، خشونت، نفرت) در شهر تهران غلبه زیادی یافته است. همچنین گونه‌شناسی به دست آمده نشان می‌دهد که تأثیرات منفی مولفه‌های نامطلوب جغرافیایی محیطی در رفتار انسانی در قالب خشونت جسمی، خشونت کلامی، خشونت جنسی، خشونت روانی، خشونت رسانه‌ای، نفرت در مواجهه با عشق به خود، عشق عاقلانه، عشق الهی، عشق ایثارگرانه خود را نشان داده است.

واژگان کلیدی: محیط جغرافیایی، رفتار انسانی، خشونت، عشق، شهر تهران.

^۱. (نویسنده مسئول): adhamiab@yahoo.com

مقدمه

موسسه گالوپ^۱ به ترتیب ایران، عراق و سودان جنوبی را عصبانی‌ترین کشورهای دنیا معرفی کرده است. ۵۰ درصد جمعیت ایران عصبانی هستند. گزارش سالانه موسسه افکارسنجی «گالوپ» در آمریکا حاکی است ایرانیان عصبانی‌ترین مردم دنیا هستند. در گزارش سالانه ۲۰۱۷ این موسسه از احساسات جهانی، مردم ایران به عنوان عصبانی‌ترین مردم جهان معرفی شده‌اند. این گزارش با مطالعه وضعیت ۱۴۲ کشور جهان تنظیم شده است. در این گزارش مردم ایران با ۵۰ درصد جمعیت عصبانی و عراق با ۴۹ درصد و سودان جنوبی با ۴۷ درصد عصبانی‌ترین کشورهای دنیا معرفی شده‌اند. در این گزارش یونان نیز با ۶۷ درصد پراسترس‌ترین کشور دنیا معرفی شده است. همچنین در این گزارش ۷۰ درصد از مردم جهان لذت زیادی می‌برند، لبخند زده، احساس آرامش و احترام می‌کنند. (گالوپ، ۲۰۱۷). شهر تهران به عنوان یک کلان‌شهر و پایتخت ایران شناخته می‌شود؛ و مهاجرپذیرترین شهر ایران، از شهرها و روستاهای مختلف کشور است؛ و همچنین بسیاری از این افراد طی سالیان متمادی در این شهر ساکن شده و در اینجا به زندگی ادامه می‌دهند. از این باب می‌توانیم شاهد پراکندگی قومی و هویتی و فرهنگی متفاوتی در سطح شهر باشیم. همچنین تهران به دلیل منطقه بندی و رشد شمال به جنوب طبقات مختلفی از جامعه را به لحاظ اقتصادی شامل شده است. شهر تهران همچون یک موجود زنده متولد شده است و رشد یافته است، بلوغ پیدا کرده و دچار رکود شده و انحطاط یافته و می‌تواند دوباره احیا شود و یا قسمتی از خود را از دست بدهد. مردم، خیابان‌ها، محله‌ها، پارک‌ها، مساجد، دولت، اقتصاد، فرهنگ، بخش‌های اساسی یک شهر و عناصر اصلی او هستند که با هم پیوند دارند، از این رو این‌ها به طور مدام بر یک دیگر اثر می‌گذارند. بر این مبنا ما شاهد این هستیم رشد یک قسمت از شهر و تنوع زیستی در آن، افزایش جمعیت در سویی چه تاثیری می‌تواند بر یک منطقه، محله و کل شهر داشته باشد. دانشجویان و سالمندان و زنان و مردان و کودکان و مهاجران باید در کنار هم زندگی کنند و با یکدیگر تعامل داشته باشند اما این‌گونه تعاملات به واسطه‌ی زندگی شهری جدید و زیست مدرن به گونه‌های مختلفی تغییر پیدا کرده است و روابط بین خانواده‌ها کمتر و کمتر شده است. پدیده‌هایی همچون اعتیاد، بیکاری، خشونت، بی‌اعتمادی اجتماعی، فقر اقتصادی، فساد، تبعیض اجتماعی، بی‌عدالتی در برخورداری از قدرت، نزول ارزش‌ها، افزایش میزان جرایم، سیاست‌های اقتصادی، معضل ترافیک، مسائل آموزش و پرورش، عدم رعایت حقوق شهروندی و نابرابری در اجرای قانون در زندگی شهری از عوامل تاثیر گذار است.

با توجه به اینکه این پژوهش در صدد تحلیل «بررسی تفسیری پدیده‌ی خشونت؛ برآیند عشق و نفرت در خانواده‌های منطقه شهر تهران» است، مکان و زمان انجام این تحقیق بسیار حائز اهمیت است؛ بر این مبنا رسش این پژوهش از نوع کنونی - تاریخی محسوب می‌شود. راگین معتقد است طرح تحقیق " نقشه‌ای است برای گردآوری و

¹ <https://www.gallup.com/>. Gallup, Inc. is an American analytics and advisory company based in Washington, D.C. Founded by George Gallup in 1935

تحلیل شواهد به نحوی که امکان پاسخ گوئی به سؤال هائی را که تحقیق مطرح کرده است میسر می سازد." (فیلیک، ۱۳۹۴: ۱۴۹). طرح پژوهش و انتخاب آن به موضوع تحقیق، سؤالات و روش تحقیق بستگی دارد. با توجه به اینکه این تحقیق، تحقیقی کیفی و ژرفا نگر است نوع طرح آن را می توان، طرح درونی، موردی و انکشافی در نظر گرفت.

در این تحقیق از استراتژی استقرائی استفاده شده است که از گردآوری داده‌ها آغاز می شود و به دنبال آن، داده‌ها تحلیل می شود و به دنبال آن، پس از پروراندن آن‌ها تعمیم‌هایی بدست آید که با آزمودن‌های بعدی بتوانند به گزاره‌هایی تبدیل شوند که مشابه قوانین اند و در تبیین جنبه‌هایی از فعالیت‌های سازمانی به کار آیند. در این استراتژی، معرفت علمی، اصول اثبات شده‌ای هستند که با انباشته شدن داده‌های بسیار به دست آمده‌اند. قوانین کلی با منطق استقرایی برای نتیجه‌های آزمایش‌ها و مشاهده‌های دقیق به دست می آیند. (خاکی، ۱۳۹۵: ۳۹-۳۸)؛ با توجه به آنچه که در مورد استراتژی استقرائی گفته شد، این تحقیق نیز از مشاهده‌های اکتشافی در میدان تحقیق آغاز شده و سؤالات تحقیق در چند فاز در مسیر تحقیق مورد جرح و تعدیل قرار گرفته است.

با توجه به این‌که این تحقیق از نوع تحقیق کیفی می‌باشد، روش پاسخ به سؤالات تحقیق در این پژوهش و نحوه‌ی گردآوری داده‌ها بر اساس نظریه‌ی زمینه‌ای یا گراند تئوری صورت گرفته است؛ علت انتخاب روش نظریه‌ی زمینه‌ای در این تحقیق را می توان در موارد زیر خلاصه کرد اما قبل از آنکه به این سؤال پاسخ داده شود، لازم است ویژگی‌های نظریه پرداز زمینه‌ای را به صورت زیر مطرح کرد:

۱. توانائی تشخیص گرایش به سوگیری در خود؛

۲. توانائی تفکر انتزاعی؛

۳. توانائی منعطف بودن و پذیرش انتقاد مفید؛

۴. حساسیت نسبت به کلام و اعمال پاسخگویان؛

۵. توانائی گام نهادن به عقب و موقعیت را بصورت انتقادی تحلیل کردن؛

۶. مجذوب کار شدن و اخلاص؛ (استراوس و کرین، ۱۳۹۲: ۲۹)

ابزار گردآوری در این تحقیق با توجه به کیفی بودن آن شامل سه روش مشاهده، مصاحبه و فیش برداری است. در روش مطالعه‌ی نظریه‌ی زمینه‌ای که نوعی مطالعه در حوزه‌ی پارادایم تفسیری به حساب می آید. در این تحقیق بارویکرد گراند تئوری، جمعیت حاضر و ساکن در تهران را در محدوده‌ی زمانی تحقیق، مورد مطالعه قرار داده که با مراجعه‌ی مستقیم پژوهشگر به آنها امکان پذیر شده است. جمعیت در این تحقیق شامل زنان و مردانی است که تجربه‌ی عشق و خشونت را داشتند و مورد بررسی و تحقیق قرار گرفتند. لازم به ذکر است که در این تحقیق برای شناسائی سؤال اصلی تحقیق، نمونه‌های مختلفی از جمعیت انتخاب شد که در موارد زیر می توان آنرا خلاصه کرد: الف. زنان و مردان ساکن در منطقه اولین گروه پژوهشی این تحقیق بودند که مستقیم در مصاحبه حضور داشتند. ب. برای آشنائی بیشتر و دستیابی به سؤالات تحقیق از نخبه‌گان، تنی چند از روان‌شناسان، جامعه‌شناسان نیز در این

تحقیق پرسش و پاسخ و مصاحبه به عمل آمد. شیوه‌ی نمونه‌گیری این تحقیق، نمونه‌گیری نظری هدفمند است که نوعی گردآوری داده است که بر اساس مفاهیم در حال تکوین انجام می‌شود. "نمونه‌گیری نظری بر مبنای مفهوم" مقایسه استوار" است. منظور از مقایسه این است که به سراغ جاها، آدم‌ها و رویدادهایی برویم که امکان کشف گوناگونی‌ها را به حداکثر برساند و مقوله‌ها را از لحاظ ویژگی‌ها و ابعاد غنی کند. " (استراوس و کربین، ۱۳۹۲: ۲۱۹). لازم به ذکر است برای انجام پژوهش از بین جمعیت مذکور ۳۰ نفر نمونه انتخاب و مصاحبه با آن‌ها انجام شد. بدین ترتیب هم فرآیند گردآوری و هم تحلیل، کاملاً تدریجی، تکوینی و پلکانی است و داده‌ها مرحله به مرحله و به طور مداوم گردآوری و ثبت می‌شوند و به طور غیر خطی پا به پای آنها؛ «تحلیل مداوم و مقایسه‌ای داده‌ها» صورت می‌پذیرد. (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۱۴۸-۱۴۷) اما آنچه که اساس کار تحقیق کیفی و بویژه تحقیق نظریه‌ی زمینه‌ای را تعیین می‌کند، پایش مصاحبه‌ها از کدگذاری در ۳ فاز ۱. کدگذاری باز؛ ۲. کدگذاری محوری؛ ۳. کدگذاری گزینشی برای رسیدن به پاسخ سوالات است که در این تحقیق مد نظر قرار گرفته است.

رویکرد نظری

آنتونی گیدنز^۱ از معروف‌ترین جامعه‌شناسانی است که در حوزه‌ی عشق و روابط بین شخصی دست به پژوهش زده است. او به صورت معرفت‌شناسانه به بررسی عناصری دست می‌زند که نشانه‌گذار جوامع از دوره سنتی به مدرن شدند؛ که مشخصاً بر حوزه روابط انسانی نیز اثر فراوان گذاشته‌اند. گیدنز بیان می‌کند که صنعتی شدن جوامع و به وجود آمدن نظام سرمایه‌داری، دو عنصر حساسی هستند که بر روند پویایی جوامع از مرحله سنتی به مدرن تاثیر گذار بوده‌اند. (کسل، ۱۳۸۳) لازم به توضیح است، دوران مدرنیته اخیر با فرآیند‌های جهانی شدن، سنت زدایی و باز اندیشی اجتماعی همراه است. (جلائی پور، گرامیان نیک، ۱۳۹۰) گیدنز درباره‌ی جهان سکس‌زده امروز که رابطه‌ی جنسی، چون پوشش عشق آن را در بر گرفته است، می‌گوید: وقتی شروع به نوشتن درباره‌ی رابطه‌ی جنسی می‌کنم خود را می‌بینم که در حال نوشتن درباره‌ی عشق و حتی جنسیت هستم (گیدنز، ۱۹۹۲) به نظر می‌رسد می‌رسد که در جهان امروز، بیش از هر زمانی عشق و رابطه‌ی جنسی با هم تداخل داشته و در بسیاری موارد حتی یکسان تلقی می‌شوند. (علی نژاد، ۱۳۹۷: ۶۱) او در تبیین شتاب و وسعت تغییرات در مدرنیته سه مکانیسم را مطرح می‌کند: ۱- جدایی زمان از مکان: در جوامع پیشامدرن زمان همواره با مکان در ارتباط بود و معنا پیدا می‌کرد اما با اختراع ساعت، زمان به تنهایی دارای معنا شد و ارتباط افراد که از صورت چهره به چهره و فیزیکی در محل برقرار می‌شد؛ در جوامع مدرن این توانایی را یافت که با افراد غایب خارج از محل و در مکانی دیگر میسر شود. (جلائی پور، گرامیان نیک، ۱۳۹۰) ۲- مکانیسم‌های از جا کنده‌گی: که به تولید نظام‌های انتزاعی شامل نشانه‌های نمادین و نظام‌های تخصصی می‌انجامد و در سازماندهی محیط مادی و اجتماعی اثر گذار است ۳- باز اندیشی نهادی: که تولید دانش نظام مند در زندگی اجتماعی و رهایی از قطعیت‌های سنتی را شامل می‌شود. (کسل، ۱۳۸۳) بنیادی

¹ Anthony Giddens

ترین عنصر در روابط انسانی، فارق از این که جامعه در کدام یک از مراحل معرفت شناسی باشد اعتماد است. «پیوند های شخصی نهادمند و اصول غیر رسمی صداقت و شرافت چهارچوب های اعتماد را فراهم می سازند» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۴۲) اعتماد در دنیای امروز متفاوت با جوامع سنتی است؛ در گذشته اعتماد به صورت چهره به چهره و مستقیم بوده و حال آنکه امروزه به گونه غیبت زمان و مکان، از جاکنده و بر اساس نظام های انتزاعی است. (جلائی پور، گرامیان نیک: ۱۳۹۰) عناصر یاد شده باعث دگرگونی در روابط خانوادگی و پیوندهای اجتماعی شده است؛ که در مجموع بر روابط دوستی، جنسی، خویشاوندی و در کل صمیمیت اثر گذار بوده اند. «میان گرایش های جهانی مدرنیت و آنچه تبدیل شکل صمیمیت نامیده ام، پیوند مستقیم (و نیز دیالکتیکی) وجود دارد و تبدیل شکل صمیمیت را طبق مکانیسم های اعتماد می توان تحلیل کرد.» (گیدنز، ۱۳۸۴: ۱۳۶) اعتماد در دنیای مدرن امری از پیش تعیین شده نیست و نیاز به تلاش، محبت، صبر و شکیبایی دارد (جلائی پور، گرامیان نیک: ۱۳۹۰) با در نظر گرفتن مطالب یاد شده، گیدنز چهار سنخ رابطه را در فراگرد تاریخ و به صورت پویایی شناسانه بیان می کند: ۱- عشق شهوانی^۱ یا شور انگیز: درگیری عاطفی و نیرومند با دیگری است که ممکن است یک یا هر دو طرف رابطه را از وظایف معمولی و روزمره شان غافل کند. این عشق همراه با جنون و گسست از روابط اجتماعی است و به گونه ای اسطوره ای همراه با هیجانها و درگیری های عاطفی می باشد. ۲- عشق رمانتیک^۲: بیشتر بر خاص بودن و یگانگی معشوق در چشم عاشق تاکید دارد. عشقی آینده نگر، مترادف با عقلانیت و دارای منطقی اقتصادی است. این عشق با رابطه ی جنسی میانه زیادی ندارد و بر تعهد طولانی مدت تاکید دارد. کنش متقابل صمیمانه در میان انسان های درگیر در این رابطه، چه به گونه ی عاشق و معشوق و چه به صورت پدر، مادر و فرزند، به گونه ی بارزی نمود دارد. ۳- عشق توامان یا سیال^۳: ترکیب عشق شهوانی و رمانتیک است و به نوعی فعال تر و مشروط تر از آن می باشد. دارای لذت جنسی است. تعهد طولانی مدت را نقض می کند و منکر ضرورت پایداری روابط صمیمانه می باشد. (جلائی پور، گرامیان نیک، ۱۳۹۰) ۴- رابطه ناب^۴: رابطه ای دارای کنش متقابل دموکراتیک که می تواند با رعایت چارچوب اخلاقی توسعه یابد و حتی منجر به عشقی رفاقت آمیز شود. خود مختاری، رعایت حد و مرز های شخصی و احترام متقابل از ویژگی های این رابطه می باشد که موجب برابر سازی قدرت می شود. افراد دخیل در این رابطه باید صادق و صریح باشند و با مذاکره و توافق تعهدات خود را مورد باز بینی قرار دهند. اعتماد نیز در این رابطه به گونه ای متقابل و دو طرفه است و بحث، گفتگو و مذاکره شالوده ی این رابطه می باشد. (کسل، ۱۳۸۳) در رابطه ناب «هیچ حد و مرزی برای فعالیت جنسی وجود ندارد مگر آنهایی که تعمیم اصل خود مختاری و نیز هنجارهای توافقی رابطه ناب ایجاب می کند.» (کسل، ۱۳۸۳: ۴۳۸)

¹ Erotic love

² Romantic love

³ Concomitant or fluid love

⁴ Pure relationship

از نظر فروم^۱ علت اینکه می‌گویند در عالم عشق هیچ نکته‌ی آموختنی وجود ندارد، این است که مردم گمان می‌است، نه مشکل استعداد. مردم دوست داشتن را ساده می‌کنند که مشکل عشق، مشکل معشوق انگارند و برآند که مساله تنها پیدا کردن یک معشوق مناسب، یا محبوب دیگران بودن است که به آسانی میسر نیست. در یک رابطه‌ی نزدیک، موثرترین کاربرد شناخت انواع سنخ‌های عشق این است که منحی خوب و بد در روابط وجود ندارد و هر شخصی متفاوت از دیگری است و این حق را درد که در طول رابطه نیز متفاوت بماند به قول فروم: عشق نوعی فعالیت آگاهانه است، نه نوعی انفعال که انسان اسیر آن شود. (اوایل، ۱۳۹۷: ۹) فروم در نظریه‌ی عشق برای انواع عشق تمایز قائل می‌شود که عبارتند از:

الف: عشق برادرانه ب: عشق مادرانه پ: عشق جنسی ت: عشق به خود ث: عشق به خدا (فروم، ۱۳۸۸: ۱۱)

از نظر وی عشق فعال بودن است، نه فعل پذیری؛ پایداری است نه اسارت. به طور کلی خصیصه‌ی فعال عشق را می‌توان چنین بیان کرد که عشق در درجه اول نثار کردن است نه گرفتن. گذشته از عنصر نثار کردن، خصیصه‌ی فعال عشق متضمن عناصر اساسی دیگری است که همه در جلوه‌های گوناگون عشق مشترک اند؛ که عبارتند از: دلسوزی، احساس مسئولیت، احترام و دانایی. از نظر فروم عشق در وهله‌ی نخست بستگی به یک شخص خاص نیست، بلکه بیشتر نوعی رویه و جهت‌گیری منش آدمی است که او را به تمامی جهان، نه به یک معشوق خاص، می‌پیوندد. اگر انسان فقط یکی را دوست بدارد و نسبت به دیگران بی‌اعتنا باشد، پیوند او عشق نیست، بلکه یک نوع وابستگی یا خودخواهی گسترش یافته است. عشق یک استعداد درونی است. با وجود اینکه اکثر مردم فکر می‌کنند علت عشق وجود معشوق است، نه استعداد درونی. در حقیقت آنان فکر می‌کنند که چون هیچ کس دیگری را جز معشوق دوست ندارند، این خود دلیلی بر شدت عشقشان است. این همان اشتباهی است که قبلا به آن اشاره شد. چون مردم نمی‌توانند درک کنند که عشق نوعی فعالیت و نوعی توانایی روح است، خیال می‌کنند تنها چیز لازم پیدا کردن یک معشوق مناسب است و از آن پس همه چیز به خودی خود ادامه خواهد یافت."

"اریک فروم تعریف بسیار جالبی از عشق دارد، او عشق را ترکیبی از چهار عنصر می‌داند:

۱. توجه ۲. مسئولیت ۳. احترام ۴. معرفت؛ او می‌گوید هر جوشش علاقه و کشش و محبتی به طرف مقابل به معنای عشق ورزیدن نیست. بلکه این احساسات، بیشتر مواقع ناشی از تنهایی و کمبود برآورده شدن تمایلات جسمی است که منجر به ایجاد چنین کششی خواهند شد؛ اما عاشقی از نگاه فروم ابتدا به معنای توجه به فرد مقابل است. اینکه به او بیشتر از دیگرانی در کنار ما هستند توجه کنیم؛ و البته در کنار آن، شامل احترام گذاشتن به فرد مورد توجه است. ریشه لاتین احترام، از دیدن گرفته شده و در واقع احترام به این معناست که معشوق را همانطور که هست ببینیم و بپذیریم. خواسته‌های او و تمایلاتش را در نظر بگیریم و سعی نکنیم او را به دلخواه خود محدود و منزوی کنیم و...؛ و اما مسئولیت به این معناست که در برابر او احساس مسئولیت کرده و کاری نکنیم که او و

¹ Erich Fromm

آینده او را به خطر بیندازیم. همچنین در جهت مثبت کارهایی را انجام دهیم که منجر به شکل گیری بهترین آینده برای او شود؛ و البته معرفت هم که به معنای کسب شناخت از او و خواسته ها و علائق واقعی او است.^۱ (دانشیان، ۱۳۹۶؛ و یلدا، ۱۳۸۸). ماکس شلر^۱ از جمله فیلسوفان و جامعه شناسانی است که به مقوله عشق و نفرت پرداخته است. او با ارائه تحقیق درباره کین توزی با وجوه غیر عقلانی و اعماق عاطفی انسان دست و پنجه نرم می کند. او بیان می کند که کین توزی دقیقا چیست. پاسخ کلی او به این پرسش سه لایه دارد:

کین توزی قسمی احساس لاعلاج و دائمی نفرت و تحقیر است که در برخی افراد و گروه ها روی می دهد. کین توزی ریشه در ناتوانی ها یا ضعف هایی به همان پایه لاعلاج دارد. انواع گوناگونی از ناتوانی ها هستند که احساس های پرزور کین توزی به طرز غریبی از بطن آنها فوران می کند. انواع و اقسام ضعف ها، محرومیت ها، حرمان ها یا کمبودهای روانی، ذهنی، اجتماعی یا جسمانی باشد. افراد و گروه های مبتلا به کین توزی از برقراری ارتباط با دیگران خود را ناتوان می یابند. اینها بسیار دیرجوشند و هر احساس کین توزی که از ناتوانی فرد و یا گروه دچار کین توزی برمی خیزد، با احساس پنهان بی ارزش شماری خود در قیاس با دیگران همراه می شود. در کین توزی همواره نوعی بی سامانی قلبی حضور دارد؛ یعنی کین توزی در حکم انحرافی دایمی از سامان ارزشها، از سامان احساس ها و از سامان عاشقی است.

حالت کین توزی دایمی کاملاً متمایز است. واکنش های غضب آلود و یا فوران ناگهانی غیظ و خشم (شلر، ۱۳۹۲: ۱۳-۱۵) ما با مطالعه نظریات شلر می توان دریافت افرادی که کین توزی دارند احتمالاً در بسیاری از موارد، خشم خود را بروز نمی دهند؛ مثلاً خود آنها اقدام به عمل تروریستی نمی کنند بلکه در پشت پرده کسانی را هدایت می کنند تا به قصد خود برسند و آنها واسطه ای باشند برای تخلیه خشونت نهان شده و کینه از قبل جامانده.

کین توزی فرآیندی است که در طی آن ذهن، خود را مسموم می کند. فرآیندی که علل و پیامدهایی کاملاً مشخص دارد. کین توزی نگرش ذهنی دیرپایی است، معلول واپس راندن سیستماتیک عواطف و تأثراتی معین که خود مؤلفه های عادی طبیعت بشری اند. نتیجه این واپس راندن، تمایل دایم فرد است به غرقه شدن در انواع معینی از توهم های ارزشی و ارزش داوری های متناظر با آنها. عواطف و تأثراتی که در اینجا در درجه اول اهمیت اند عبارتند از: انتقام، نفرت، بدخواهی، حسادت، میل شدید به تحقیر کردن و خباثت. عطش انتقام مهمترین منشأ کین توزی است (شلر، ۱۳۹۲: ۴۰). زیگموند باومن^۲ در کتاب «عشق سیال»^۳ به وضعیت ناپایدار روابط انسانی در دنیای جدید می پردازد. از نظر او، فرد برای فرار از این حس ناامنی، با امیال متضاد مواجه می شود. فرد در خود در می یابد به طور همزمان مایل بر محکم کردن پیوندهایش و در عین حال سست نگه داشتن آنهاست. در واقع افراد در دنیای مدرن به دنبال شریک زندگی هستند و برای فرار از ناراحتی و ناپایداری «وارد روابط می شوند» ولی می فهمند که حالا ناپایداری دردناک تر و ناراحت کننده تر از قبل است. (طلوعی، ۱۳۹۷: ۳۲۰). باومن معتقد است که: عشق دیگری ای

¹ Max Scheller

² Sigmund Baumann

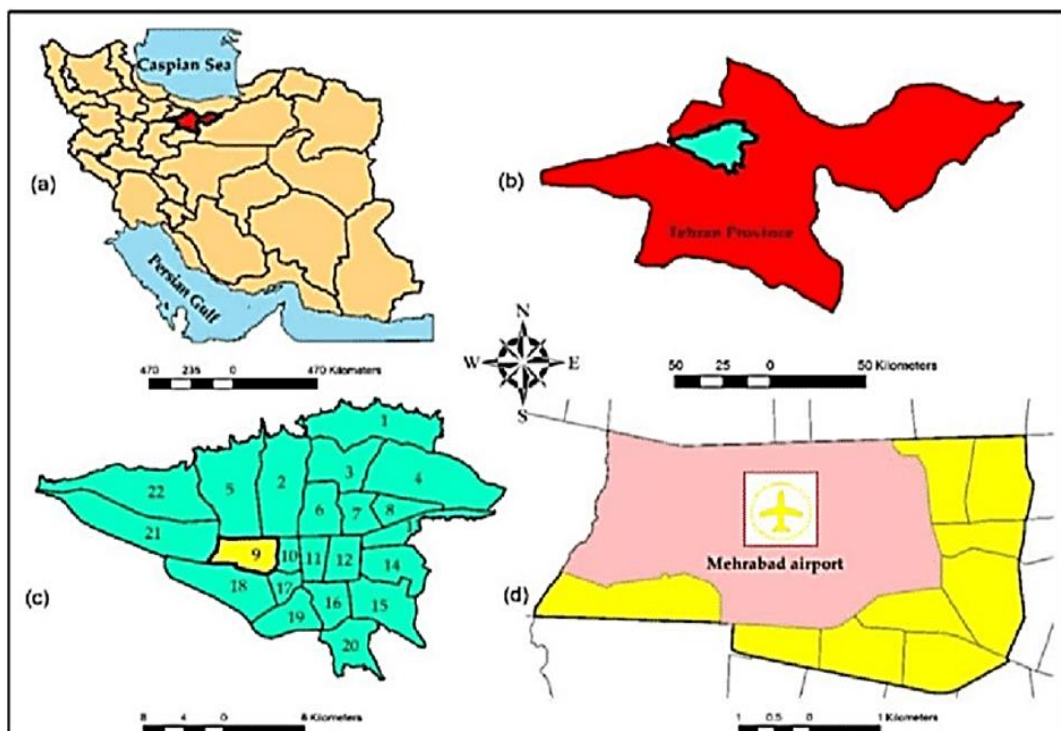
³ Fluid love

را از بین "همه‌ی مردم" بیرون می‌کشد و با این کار دیگری را به صورت شخص کاملاً معین در می‌آورد، شخصی با دهانی که به آن گوش می‌کنیم، شخصی که با او مکالمه می‌کنیم به گونه‌ای که ممکن است چیزی رخ دهد. (باومن، ۱۳۹۴: ۴۷). خشونت نمادین خشونت تحمیل‌کننده‌ی اطاعت‌هایی است که نه فقط به مثابه اطاعت درک نمی‌شود، بلکه با اتکا بر «انتظارات جمعی» و باورهای از لحاظ اجتماعی درونی شده (فهمیده می‌شوند). نظریه‌ی خشونت نمادین، همچون نظریه‌ی جادو، بر یک نظریه‌ی باوری و یا بهتر بگوییم بر یک نظریه‌ی باز تولید باورها استوار است (نظریه‌ای که نشان می‌دهد چگونه) برای تولید کنشگرانی که از قالب‌های دریافتی و ادراکی (خاصی) برای تولید کنشگرانی که از قالب‌های دریافتی و ادراکی (خاصی) برخوردار باشند که به آن‌ها امکان دهد دستورات درون یک موقعیت یا گفتار را دریافت کرده و از آن‌ها اطاعت کنند، عمل اجتماعی شدن ضروری است - (بورديو، ۱۳۸۸: ۶۸) لازم به توضیح است که در این تحقیق از نظر فروم و شلر و بورديو در راستا تبیین موضوع استفاده شده است.

منطقه مورد مطالعه

استان تهران به مرکزیت شهر تهران، با وسعتی حدود ۱۲،۹۸۱ کیلومتر مربع، بین ۳۴ تا ۳۶،۵ درجه عرض شمالی و ۵۰ تا ۵۳ درجه طول شرقی واقع شده است. این استان در نیمه شمالی ایران قرار دارد و از شمال به استان مازندران، از جنوب به استان قم، از جنوب غربی به استان مرکزی، از غرب به استان البرز و از شرق به استان سمنان محدود است.

نقشه ۱. موقعیت شهر تهران



منبع: [/https://www.researchgate.net](https://www.researchgate.net)

استان تهران در دامنه جنوبی البرز مرکزی قرار دارد. ناهمواری های این استان به سه دسته تقسیم می شوند:

۱. رشته کوه های البرز در شمال تهران

۲. بخش های مرکزی و کوهپایه های جنوبی البرز

۳. دشت های استان تهران

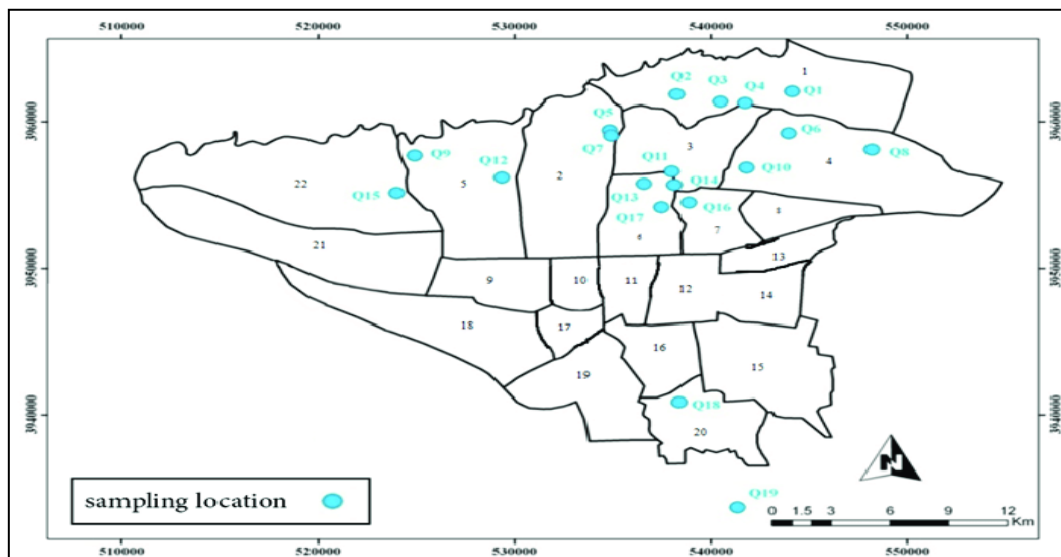
در نواحی مختلف استان تهران به علت موقعیت ویژه جغرافیایی، آب و هوای متفاوتی شکل گرفته است. سه عامل جغرافیایی در ساخت کلی اقلیم استان تهران نقش مؤثری دارند:

کویر یا دشت کویر: مناطق خشک مانند دشت قزوین، کویر قم و مناطق خشک استان سمنان که مجاور استان تهران قرار دارند، از عوامل منفی تأثیرگذار بر هوای استان تهران هستند و موجب گرما و خشکی هوا، همراه با گرد و غبار می شوند.

تهران در فصل تابستان دمایی حدود ۳۶ درجه سانتی گراد یا حدود ۹۵-۱۰۰ درجه فارنهایت است. هوا در تهران نسبت به دیگر شهرهای توریستی جهان بسیار خشک می باشد. ترکیب برخی از فاکتورها باعث می شود تا تهران به مکانی دلنشین برای بازدید محسوب شود. بدین گونه که آب و هوای خشک که دائماً خنک است (حداقل عصرها)، نزدیکی به رشته کوه البرز، پارک ها و باغ هایی که در تمام سال، شکوفه می دهند.

شهر وسیع تهران با کوچه های پر از درخت در خیابان ها، آب هایی که از شهر فوقانی در امتداد رودخانه های عمیق و وسیع سرازیر می شوند، تا در طول بهار مانند رودخانه های کوچک به نظر برسند و گوش سپردن به صدای چکاوک ها که باعث می شود تا تهران بهترین انتخاب برای استراحت باشد. محدوده البرز به شمال تهران که میزبان بلندترین قله ایران است، شرایط خارق العاده ای را برای دوست داران اسکی در زمستان فراهم می کند.

نقشه ۲. مناطق اداری شهر تهران



منبع: [/https://www.researchgate.net](https://www.researchgate.net)

استان و شهر تهران در فصل زمستان شاهد آب و هوایی کوهستانی و سرد است که رزرو هتل در پیست اسکی شمشک و دیزین تهران در ۲ هفته به صورت کامل پر می‌شوند. برخی از اسکی بازان متخصص معتقد هستند، ارزش برف در شمال تهران بسیار بالا بوده و می‌توان یکی از بهترین‌های جهان برای اسکی و برف بازی دانست. اگر شما هم اهل اسکی و مناطق سردسیر هستید پیشنهاد می‌کنیم رزرو هتل‌ها کوهستانی مانند هتل دیزین تهران را از دست ندهید.

تهران در برابر بسیاری از رخدادهای و خطرات طبیعی از جمله زمین‌لرزه آسیب‌پذیر است. بررسی‌های زمین‌شناسی انجام شده بیانگر آن است که شهر تهران روی گسل‌های زیادی قرار دارد. با گسترش فضای شهر، ساخت‌وسازهایی نیز در حریم یا روی گسل‌های بزرگ و لرزه‌خیز انجام شده‌است. افزون بر آن، دشت تهران و شهر ری دارای شکستگی‌هایی است که ممکن است به هنگام لرزش گسل‌های بزرگ، دچار لغزش و جابه‌جایی شوند. با بررسی زمین‌لرزه‌های روی داده در گستره تهران و پیرامون آن، زمین‌لرزه‌هایی به بزرگی ۷٫۷ درجه ریشتر را می‌توان یافت. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که گسل‌های مشا در ارتفاعات البرز و گسل گرمسار فعالیت بیشتری داشته‌اند. کارشناسان بر این باورند که با توجه به اینکه از آخرین زمین‌لرزه بزرگ تهران مدت زیادی می‌گذرد، خطر رخ دادن زمین‌لرزه‌ای بزرگ در تهران افزایش می‌یابد. پیش‌بینی زلزله‌هایی تا ۸ ریشتر در تهران شده‌است و تمام مناطق، حتی آن‌هایی که روی گسل نیستند نیز در برابر چنین رخدادهایی آسیب‌پذیرند. البته احتمال ویرانی تمام شهر با یک زمین‌لرزه، از سوی کارشناسان رد شده‌است.

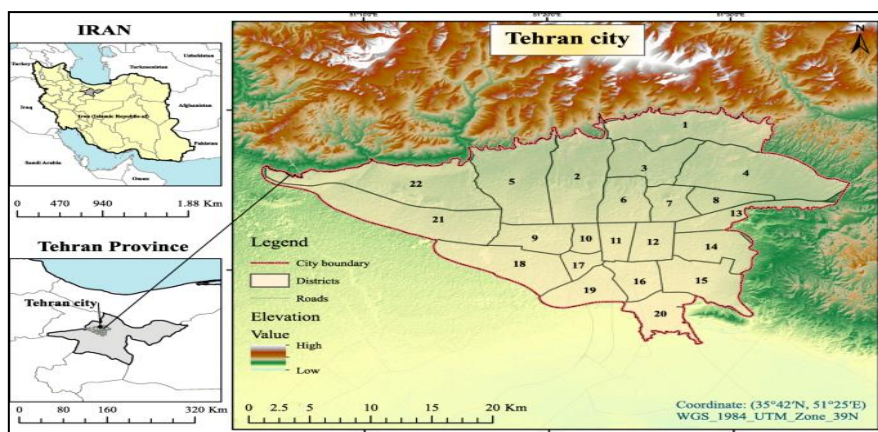
وضعیت نامناسب مدیریت بحران شهر تهران و احتمال رفتار نامناسب شهروندان هنگام رخ دادن خطرات طبیعی، باعث نگرانی‌هایی شده‌است. «فقل شدن شهر» که بر اثر خروج مردم از محله خود و ایجاد ترافیک هنگام زمین‌لرزه رخ می‌دهد نیز می‌تواند کار امداد و نجات را با مشکل روبرو سازد. از سیل نیز توسط مقامات شهری تهران به عنوان خطری جدی یاد شده‌است. اختلاف ارتفاع زیاد، ساخت‌وساز در حریم یا بستر رودها و مسیل‌ها، شرایط اقلیمی ویژه، وجود رودخانه‌هایی نظیر رودخانه کرج، مسیل‌های پرشمار دیگر و قرارگرفتن شهر در پای کوه از جمله دلایل اصلی تهدید تهران توسط سیلاب است. آلودگی‌های زیست‌محیطی مانند آلودگی آب، هوا، خاک و صوتی باعث شده‌است که تهران به یکی از آلوده‌ترین شهرهای جهان تبدیل شود. همچنین وجود جانوران موذی همانند موش از مشکلات تهران است.

آلودگی آب

آب‌های زیرزمینی تهران دارای آلودگی هستند؛ از آن‌ها به صورت مستقیم در کشاورزی استفاده می‌شود و بخشی از آب آشامیدنی تهران را نیز تأمین می‌کنند. یکی از زیان‌آورترین عناصری که به دلیل نفوذ فاضلاب‌های انسانی و حیوانی در سفره‌های آب زیرزمینی تهران وجود دارد، نترات است. فرسودگی زیرساخت آب آشامیدنی تهران نیز به آلودگی بیشتر آب کمک می‌کند.

مقایسه ترافیک تهران در یک روز کاری (راست) با یک روز تعطیل نوروزی. وسایل نقلیه به عنوان یکی از عوامل اصلی آلودگی هوای تهران شناخته می‌شوند. تهران از آلودگی هوا رنج می‌برد. عوامل آلودگی هوا در تهران شامل عوامل جغرافیایی همانند اثر محصورکننده کوه‌ها، وسایل نقلیه نظیر خودروها و موتورسیکلت‌ها، سوخت خانه‌ها و آلودگی حاصل از کارخانه‌ها می‌شود. همچنین کیفیت پایین بنزین عرضه‌شده در ایران نیز جزو دلایل آلودگی هوای تهران دانسته می‌شود. در سال ۱۳۹۶، سرپرست مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت محیط زیست ایران اعلام کرد که حدود ۲۰ درصد از آلودگی هوای تهران حاصل تردد موتورسیکلت‌های کاربراتوری است. آلاینده‌های اصلی هوای تهران نیز اکسیدهای نیتروژن، اکسیدهای گوگرد، مونوکسید کربن، ترکیبات آلی فرار و ذرات معلق هستند. از ذرات معلق به عنوان عامل اصلی مرگ ناشی از آلودگی هوا در تهران یاد شده‌است. همچنین بخش بزرگی از ذرات معلق تهران را اتوبوس‌ها، مینی‌بوس‌ها، کامیون‌ها و موتورسیکلت‌ها تولید می‌کنند. تعطیلی مدرسه‌ها و اجرای طرح زوج و فرد از طرح‌هایی هستند که در مقابله با آلودگی هوا در تهران اجرا شده‌اند. جهت آگاه‌سازی شهروندان، نمایشگرهای آگاه‌ساز آلودگی هوا در نقاط مختلف شهر نصب شده‌اند و امکان بررسی وضعیت هوای تهران به صورت برخط نیز وجود دارد. حریم صوتی در بافت شهری تهران رعایت نشده‌است و آلودگی صوتی در تهران بحرانی خوانده شده‌است. تهران همچنین رتبه نخست را در میزان آلودگی صوتی در ایران دارد. آلودگی صوتی در بزرگراه‌های تهران بین ۱۵ تا ۲۰ دسی‌بل بیشتر از استاندارد آن است. بر اساس آمار سال ۱۳۹۲، موتورسیکلت‌ها به تنهایی عامل ۴۹ درصد از آلودگی صوتی که توسط وسایل نقلیه ایجاد می‌شود، هستند. همچنین ده منطقه تهران با بیشترین آلودگی صوتی به ترتیب، ۶، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۷، ۱۳، ۳، ۱۹، ۱۸ و ۲ بوده‌است. بخش صوت شرکت کنترل کیفیت هوا، وابسته به شهرداری تهران در سال ۱۳۷۵ تأسیس شد. واحد صوت شرکت کنترل کیفیت هوای تهران، پروژه تهیه و تدوین ترازها و نقشه‌های آلودگی صوتی را از سال ۱۳۷۹ آغاز نمود. برنامه عملیاتی کاهش آلودگی صوتی در سال ۱۳۹۴ در شورای شهر تهران تصویب و سپس کمیته کنترل و پایش آلودگی صوتی شهر تهران تشکیل شد. ایجاد و به‌روزرسانی نقشه‌های صوتی، ایجاد دیوار صوتی، تدوین دستورالعمل‌ها و تعیین حریم صوتی بزرگراه‌ها از اقداماتی بودند که در مقابله با آلودگی صوتی در تهران صورت پذیرفت.

نقشه ۳. موقعیت ملی و منطقه ای شهر تهران



غلبه فرهنگ مرد سالاری	زورگویی مردان	۱۷	تنبیه فیزیکی زنان	۳
	عدم توجه به خواسته های زنان	۱۲	عدم پاسخگویی قانونی	
	سلب آزادی زنان	۱۶	سو استفاده از زن	
	عدم حق اعتراض	۱۸	تبعیض	
		۱۴	بی توجهی	
		۱۲	نادیده گرفتن احساسات	
		۱۱	حق اعتراض	
		۱۷	تحقیر کردن	
خشونت روانی		۱۶	ممنوع کردن	۴
		۱۲	ترساندن	
	ممانعت های اقتصادی و اجتماعی	۱۵	زورگویی	
		۸	محبوس کردن	
	تحقیر کردن	۲۴	دشنام دادن	
	وادار کردن به فعلی	۱۸	متلک گفتن	
		۱۳	مشاجره با خانواده	
		۱۴	بی توجهی	
		۵	تکرار گفتن چیزی	
		۷	امرونی کردن	
	۱۴	ترک رابطه		
خشونت کلامی و زبانی		۲۴	متلک انداختن	۵
		۱۸	تیکه انداختن	
	توهین کردن	۲۵	فحش دادن	
	ناسزا و فحش	۲۲	توهین کردن	
	تحقیر کردن	۱۸	تحقیر کردن	
	داد زدن	۱۲	سرزنش کردن	
	پرخاشگری	۸	تهدید کردن	
	متلک پرانی و تیکه انداختن	۱۴	دادزدن	
		۸	پرخاشگری	
خشونت علیه کودکان		۱۴	تنبیه کردن	۶
		۲۶	کتک خوردن	
		۱۳	بی توجهی	
		۱۸	ممنوع کردن	
	تنبیه در مدارس	۱۴	دعوا کردن در مدرسه	
	تنبیه در خانواده	۱۶	دعوا در خیابان	
	کودک آزادی در خیابان	۵	تعرض جنسی	
	زورگویی در مدرسه			
تعرض جسمی و جنسی				

۴۰۲ فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوازدهم، شماره دوم، بهار ۱۴۰۱

	فحش دادن	۱۴	تعرض جسمی	
	حبس کودکان			
		۱۲	فحش دادن	
		۴	محبوس کردن	
		۷	محدودیت مالی	
		۱۳	عدم توجه به نیاز های عاطفی	
	خشونت های مالی، جسمی، جنسی،	۱۸	فرصت برابر	
	اجتماعی، عاطفی، کلامی و روانی	۱۹	ممنوعیت	
	ممنوعیت	۲۴	متلك پرائی	
خشونت علیه زنان	تحقیر	۱۹	نگاه جنسی	۷
	دخالت خانواده	۱۴	تعرض جسمی و جنسی	
		۸	سواستفاده	
		۶	حجاب	
		۱۲	فحش دادن	
		۱۸	تحقیر دخالت خانواده	
		۱۷	ترویج صحنه های خشن	
		۸	پخش قتل	
		۷	پخش تصادفات	
	پخش کودک آزاری	۹	کودک آزادی	۸
خشونت های فضای مجازی و رسانه ای	پخش اسید پاشی	۵	اسیدپاشی	
	پخش صحنه های جنگ	۷	تیراندازی	
	پخش صحنه های تصادفات	۱۲	کتک کاری	
		۹	صحنه‌ی جنگ	
		۹	کشت و کشتار	
		۱۲	حیوان آزاری	
		۱۸	لمس بدن	
	سو استفاده جنسی	۹	نشان دادن آلت تناسلی	
	تجاوز	۸	دشنام جنسی	
خشونت جنسی	دست زدن به بدن بدون اجازه	۱۴	متلك جنسی	۹
	لمس اندام خصوصی بدون رضایت	۳	تجاوز	
	نشان دادن اندام خصوصی	۴	سو استفاده	
		۱۲	دست زدن به اندام خصوصی	
		۴	به زور به آغوش کشیدن	
		۶	آزار جسمی سالمند	
	محرومیت اجتماعی سالمندان	۵	ممنوعیت	
	محرومیت اقتصادی سالمندان	۵	سرنزدن به سالمند	۱۰
خشونت علیه سالمندان	آزار جسمی به سالمندان	۶	محرومیت اجتماعی	
		۳	محرومیت اقتصادی	

		۱	کرامت سالمند	
خشونت اقتصادی	محروم کردن از استقلال مالی عدم پرداخت نفقه تحریم اقتصادی اجرا گذاشتن مهریه	۹	محروم کردن از نفقه	۱۱
		۱۹	محروم کردن از پول تو جیبی	
		۸	محروم کردن از کلاس اضافه رفتن	
		۵	محروم کردن از حساب بانکی مجزا	
		۶	گرفتن حق استقلال مالی	
		۴	تحریم اقتصادی	
		۲	اجرا گذاشتن مهریه	
خشونت گلابیاتوری	تماشای صحنه های خشن پخش صحنه های خشن لذت از سکس خشن	۱۲	دیدن صحنه های خشن	۱۲
		۱۳	تماشای دعوا	
		۱۴	دیدن تصادفات	
		۱۲	پخش صحنه های خشن	
		۴	تماشای صحنه های خشن پورن	
		۴	لذت از سکس خشن	
خشونت مذهبی	تعصب و غیرت مذهبی نفرت مذهبی کافر کشی	۱۴	تعصب و غیرت مذهبی	۱۳
		۱۲	نفرت مذهبی	
		۴	کشتن مذهبی	
عشق عاقلانه	عشق همراه با عقل احساسات کنترل شده	۹	عشق و درک	۱۴
		۱۲	عشق و ازدواج	
		۴	عشق مبتنی بر عقل	
		۶	عشق عاقلانه	
		۸	عشق کنترل شده	
عشق به طبیعت	عشق به طبیعت احترام به طبیعت عشق به حیوانات عشق به درختان	۱۸	آسیب نرساندن به طبیعت	۱۵
		۱۷	آسیب نرساندن به حیوانات	
		۱۴	توجه به محیط زیست	
		۱۸	احترام به طبیعت	
		۱۴	عشق به حیوانات	
		۱۵	عشق به درختان	
عشق ایثارگرانه	ایثار گذشت فداکاری	۱۸	فداکاری	۱۶
		۱۶	ایثار	
		۱۸	از خودگذشتگی	
		۹	بخشش	
		۱۵	توجه به دیگری	
عشق الهی	عشق به پروردگار عشق حقیقی عشق آسمانی	۲۲	دوست داشتن خدا	۱۷
		۲۳	عشق به خدا	
		۲۰	عشق حقیقی	
		۱۸	عشق الهی	

		عشق بدون آلودگی به هوی و هوس	۱۶
		عشق آسمانی	۱۷
عشق به خود		توجه به خود	۲۱
	خود شناسی	دوست داشتن خود	۲۲
	خود باوری	عشق به خود	۱۸
		خودشیفتگی	۲۳
		خودخواهی	۲۱
		نگاه به خود	۱۳
عشق به اشیا		دوست داشتن اشیا	۱۶
	میل به اشیا	توجه به اشیا	۱۳
	بت پرستی	میل به اشیا	۵
	احترام به اشیا	احترام به اشیا	۱۴
	دوست داشتن به اشیا	بت پرستی	۱
عشق منتهی به ازدواج		عشق معطوف به ازدواج	۱۳
	عشق ماندگار	دوست داشتن همراه با ازدواج	۱۲
	بقای دوستی	عشق ماندگار	۱۱
	عشق همیشگی	بقای دوستی	۱۲
		عشق همیشگی	۸
عشق توهمی		اختلال در دوست داشتن	۴
	عشق از راه دور	عشق کورکورانه	۸
	عشق کورکورانه	دوست داشتن افراد خاص	۱۲
	اختلال در دوست داشتن	دوست داشتن از راه دور	۹
زنانه بودن عشق		زنان احساساتی	۸
	عشق مادرانه	عشق مادرانه	۱۲
	عشق زنانه	میل به لمس و توجه بیشتر	۷
		عاطفه زنان	۹
نفرت		تنفر از دروغ	۱۳
	ایجاد نفرت در مرور زمان	نفرت از عشق قبلی	۸
	نفرت از همسر	نفرت از خیانت	۱۸
	نفرت از عشق سابق	نفرت از شوهر	۵
	نفرت از پدر و مادر	نفرت از معلم	۳
	نفرت از دروغ نفرت از خیانت	نفرت از مدرسه	۹
	نفرت از وابستگی	نفرت از مردان	۱۴
	نفرت از فاصله	نفرت از زنان	۶
		نفرت از پدر و مادر	۳
		نفرت از دوستان	۴

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

مقوله‌های مرتبط به شرایط علی

۱. خشونت فیزیکی و عملی

یکی از اشکال مهم خشونت، خشونت فیزیکی است. در خشونت فیزیکی رفتار یا عملی به فرد یا موجود زنده دیگر، نوعی آسیب را وارد می‌کند. در مصاحبه‌هایی که با اکثر افرادی که به نوعی در مورد آن‌ها خشونت اعمال شده بود بر این اعتقاد بودند که به نوعی کتک خوردن در دوران کودکی از والدین یا دعوا و نزاع در مدرسه و یا تنبیه توسط معلمان را تجربه کرده‌اند. همچنین در مواردی از درگیری‌های خیابانی که برای مردان به وجود آمده بود خبر می‌دادند

منتخب شماره ۱: بر این باور است که خشونت رفتاری است که از چارچوب انسانیت و منطق دور است و باعث آسیب خوردن به بدن یک فرد می‌شود

منتخب ۲: نیز بر این باور است که صدمه و زدن فیزیکی و روحی به فردی را خشونت می‌نامند. او بارها در مدرسه و خیابان درگیری و دعوا داشته است

منتخب ۳: خشونت هرگونه رفتار غیرطبیعی از دیگران نسبت به انسان است که منجر به درگیری لفظی و جسمی می‌شود و می‌گوید من از مادرم کتک خوردم و لباس‌هایم را کتیف کرده بودم و اتاقم را بهم ریختم

۲. خشونت کلامی و زبانی

یکی از اشکال مهم خشونت، خشونت کلامی است هر چند برخی بر این باورند که صدمه‌چندانی نمی‌زند اما به نوعی می‌توان گفتن که تاثیر آن بسیار پررنگ است و خود تا مدت‌ها در ذهن کسی که آن نوع خشونت را تجربه کرده است باقی می‌ماند و یا همچنین در اکنون و آینده تبدیل به نوعی خشونت دیگر می‌شود.

در کشور های پیش‌رفته حتی برای خشونت کلامی نیز مراکز امداد رسانی و کمک‌رسانی پدید آمده است و گرچه در ایران نیز اهانت به دیگری در قانون ماده واحده‌ای را به خود اختصاص داده است اما اجرای آن شرایط خاصی را می‌خواهد که همیشه اجرایی نیست

منتخب ۴: من نمونه‌های متعددی از خشونت کلامی را مانند توهین، ناسزا و هتاک‌ها را در خیابان شاهد بودم، اما متأسفانه این مدل خشونت هر روز روبه‌افزایش است.

منتخب ۵: معتقد است که متلک‌گویی در فرهنگ ما روشی برای دوست‌یابی است در حالی که ساختار کلی آن نوعی هتک حرمت و آسیب‌رسانی به ساحت انسانی به حساب می‌آید. او بیان می‌کند که من در طول تحصیل بارها در خیابان شاهد متلک شنیدن‌ها و هتک حرمت‌های کلامی بودم و حتی یک بار بدنم را کسی بدون اجازه لمس کرد. گرچه به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر خشونت فیزیکی در ظاهر کم شده است اما خشونت‌های روانی و کلامی به شدت افزایش یافته است

۳. خشونت جنسی

خشونت جنسی نوع دیگری از خشونت است که بدون رضایت طرف مقابل فرد مورد تجاوز، سو استفاده، آزار و اذیت، بهره‌کشی و یا اجبار به تن‌فروشی می‌شود

منتخب ۶: در دوران دبیرستان یک نفر در خیابان بدن من را لمس کرد
منتخب ۷: یک بار یک آقای که ظاهر کارگران فصلی را داشت زیر پنجره ی دبیرستان ما اندام خصوصی‌اش را در آورده بود و به دختران کلاس نشان می داد.
منتخب ۸: چند بار شده است که از من نیشگون گرفته‌اند و سینه‌ام دست زده‌اند اما یک بار موتوری بدنم را لمس کرد اول فکر کردم که می خواهد آدرس بپرسد و وقتی به اون نزدیک شدم این کار را انجام داد.
منتخب ۹: یک بار در آسانسور خانه خاله‌ام با یک پسر از طبقه‌ای می‌خواستیم به طبقه‌ی دیگر برویم او یک دفعه شلوارش را پایین کشید و به من خیره شد و اما حرفی نمی زد.
۴. خشونت روانی

یکی از اشکال نا به هنجار به گمان مصاحبه شوندگان خشونت روانی است. در این نوع خشونت ممکن است اعمال فیزیکی در میان نباشد اما زمینه‌هایی وجود دارد که نفرت و انزجار را در فرد مقابل ایجاد می کند. خشونت روانی گاهی با محرومیت و یا بی توجهی و کم توجهی و سکوت و غیره پدید می آید.
منتخب شماره ۱۰: من هیچ موقع از همسرم کتک نخوردم اما با رفتارهای خاص خودش همواره من را از لحاظ روانی تحت فشار قرار داده است مثلاً بارها از خوابیدن کنار من پرهیز کرده است و یا شب‌ها با دیر آمدن به خانه نارضایتی خود را به من نشان داده است.
منتخب شماره ۱۱: همسرم برای اینکه من را عصبانی نماید تلاش می‌کرد که با فرزندم لابی کند و لابی کردن یکی از اشکال مهم خشونت روانی است..

مقوله‌های مرتبط با شرایط زمینه‌ای

۱. عشق منتهی به ازدواج
وليام گلسر در کتاب ازدواج بدون شکست فرمول جالبی برای پیش بینی میزان موفقیت یک ازدواج در نظر می‌گیرد و با در نظر گرفتن این فرض اساسی که ازدواج‌هایی که بیشترین دوام را دارند زن و شوهر با هم شباهت زیادی دارند. او نیازهای اصلی را به ۵ دسته: بقا/عشق/قدرت/آزادی/ اوقات فراغت تقسیم می کند و هر کدام از این موارد را بر اساس مقیاس پنج تایی در زن و مرد به صورت جدا گانه می سنجد (گلسر، ۱۳۹۸)
با توجه به این اندیشه به نظر می رسد کنش‌گران اجتماعی بعضاً در جستجوی نوعی عشق هستند که به ازدواج ختم می‌شود منتخب ۱۲: بیشتر والدین می‌خواهند فرزندان‌شان زمانی عاشق شوند که در نهایت امکان ازدواج را فراهم کند اما در عمل همیشه این عشق‌ها به ازدواج ختم نمی شود.
منتخب ۱۳: عموماً خانم‌ها بیشتر از آقایون در جستجوی عشق ثبات‌یافته و رسیدن به سرانجام هستند آن‌ها هم به این دلیل که زنان در جامعه ما نسبت به مردان تعداد انتخاب محدودتری دارند.
منتخب ۱۴: در دنیای امروز کمتر عشق‌ها به ازدواج ختم می‌شود چرا که اساساً رابطه‌ها بلند مدت و ثبات یافته نیست.

منتخب ۱۵: اگر کسی بیش از حد دنبال ازدواج باشد، نمی‌تواند تجربه خوبی از عشق داشته باشد چون عشق و ازدواج از جنس هم نیستند.

۲. غلبه فرهنگ مردسالاری

در تمدن‌های باستانی مانند ایران، فرهنگ مردسالاری ریشه و قدمت تاریخی و طویلی دارد. در بیشتر تاریخ این سرزمین مردسالاری بر زن‌سالاری غلبه داشته است و بسیاری از مصاحبه‌شوندگان بر این اعتقادند که ریشه گسترش خشونت در گستره فرهنگ مردسالاری است. زنان مصاحبه‌شونده نوعی این سرنوشت و فشار ساختار اجتماعی و تاریخی را عامل اصلی مشکلات خود اعم از اعمال خشونت و تبعیض، بی‌توجهی، محرومیت و ... می‌دانند.

منتخب ۱۶: زن و مرد باید بتوانند که هم گفتگو کنند و هم تعامل داشته باشند که عشق دوام یابد و مشکلات طرفین حل شود اما عموماً مردها فکر می‌کنند که عقل کل هستند. او بیان می‌کند که یک بار در ماشین، همسرش به علت صحبت‌های او با پشت‌دست به صورتش زده است و این اقدام را در جهات جامعه مردسالار می‌داند که اجازه می‌دهد هر جور که می‌خواهد با زن رفتار کند.

منتخب ۱۷: همسر با من در هیچ کاری مشورت نمی‌کند و بارها من را خنگ و احمق خطاب کرده است.

منتخب ۱۸: مردها فکر می‌کنند زن و فرزندان‌شان برده‌ی آنها هستند و هر کاری که باید آنها بخواهد انجام شود.

منتخب ۱۹: یک بار بر اثر نافرمانی به شدت از شوهرم کتک خوردم؛ به گونه‌ای که بخش‌هایی از بدنم کبود شد و سال‌ها از آن می‌گذرد و من همچنان دردهای آن ضربات را احساس می‌کنم.

۳. خشونت اقتصادی

خشونت اقتصادی انواع گوناگون دارد که یکی از مدل‌های آن زمانی بروز می‌کند که داشتن و نداشتن پول عامل فاصله و تمایز قدرت بین آنها می‌شود و در واقع وقتی که صاحب منابع مالی است، می‌تواند فردی را که فاقد آن است، استثمار کند. خشونت اقتصادی از زاویه دیگر می‌تواند باعث تعارض و تقابل در روابط انسان‌ها شود مثلاً فرزندی که از ارث به دلایلی محروم می‌شود و یا والدینی که میراث خود را به تساوی بین فرزندان تقسیم نمی‌کنند. این امر عدم عدالت و انصاف در توزیع ثروت توسط والدین، باعث بروز خشونت فرزندان علیه یکدیگر می‌شود.

منتخب ۲۰: در خانواده ما، پدر و مادر سعی کردند تا سهم پسر و دختری را رعایت کنند (دو سهم پسر و یک سهم دختر) که همین موضوع باعث اختلاف جدی برادران و من شد. سال‌هاست که پدر فوت کرده است و ما همچنان ارتباط کم‌رنگی داریم.

گاهی مسائل اقتصادی باعث تعارض و اختلاف می‌شود؛ مثلاً زنانی که در بازار کار می‌کنند و صاحب درآمد هستند و قدرت چانه‌زنی بالاتری با همسرشان پیدا می‌کنند.

منتخب ۲۱: همسر همه در آمدی که شاید اندک هم باشد را از من می‌گیرد و به من می‌گوید مدیریت و عقل معاش را رعایت نمی‌کنم.

۴. خشونت رسانه‌ای

منتخب ۲۲: در فضای مجازی به نظرم بیشتر خشونت رواج دارد تا عشق؛ بازدید صحنه‌های خشن در فضای مجازی بیشتر است و همچنین، در اخبار و فیلم‌ها شما می‌توانید ببینید که چقدر صحنه‌های خشن را به نمایش می‌گذارند، بدون هیچ هشدار که مناسب این سن است یا خیر.

منتخب ۲۳: به نظر من در فضای مجازی بیشتر مردم اهل شعاردادن هستند و چیزی همچون عشق وجود ندارد. به نظر من تصاویر خشن و خشونت‌بار زیاد پخش می‌شود و بازدید زیادی هم می‌شود و حتی می‌توانید به پست‌های مجازی نگاه کنید و دریافت کنید که چقدر مردم به یکدیگر ناسزا می‌گویند و این شاید خود یک دلیل خشونت روانی و منشا دیگری داشته باشد.

۵. خشونت مذهبی

یکی از اشکال خشونتی است که ریشه در تعصبات و اعتقادات سخت‌گیرانه‌ای دارد که در قالب‌های اعتقادی ظهور و بروز می‌کند.

منتخب ۲۴: ازدواج اول من بسیار کورکورانه به دلیل یک سری از اعتقادات و بر اثر اصرار خانواده مذهبی‌ام بود که باعث خیلی از اختلافات ما شد.

منتخب ۲۵: من بر اثر تعصب و عقیده سنتی خانواده‌ام در سن پایین ازدواج کردم و نتیجه آن این شد که وارد رابطه‌ی موازی شدم.

منتخب ۲۶: دریافت و برداشت هر فرد از دین مسئله‌ی بسیار مهمی است؛ مثلاً داعش و طالبان دو نوع نگاه به دین دارند که بسیار قضاوت‌گرایانه به موضوع نگاه می‌کنند و بر این مبنا خروجی عملکرد آن در قالب کینه، نفرت، خشم، خشونت و خصومت و کافرکشی و تسهیل شرایط برای اطاعت کورکورانه جوانان از خود نشان می‌دهد.

انگیزه‌های حساس مقوله‌های مرتبط با شرایط مداخله‌گر

۱. عشق الهی

یکی از اشکال معتبر عشق در نزد کنش‌گران اجتماعی عشق الهی است و از والذین آمنو اشد حب الله عرفا معتقدند این شدت دوست داشتن خدا که در قرآن آمده مقصود همان عشق الهی است.

منتخب ۲۷: همه‌ی عشق‌های زمینی مجازی است و تنها حقیقت عشق است که مختص خداست..

منتخب ۲۸: فهم عشق کار ساده‌ای نیست به طوری که شعرا معتقدند که نمی‌توانند ماهیت عشق را شناسایی کنند؛ اما در مکتب تصوف این دیدگاه وجود دارد که عشق مجازی پلی است برای رسیدن به عشق حقیقی است.

منتخب ۲۹: عشق بین انسان‌ها و بشری محدود است و محدود کننده و گذرنده و آلوده به هوی و هوس است، اما عشق الهی از سر جاویدانی و بی‌کرانگی است.

۲. عشق عاقلانه

در این نوع عشق کنش‌گران اجتماعی به جنبه‌های دیگری شامل جنبه‌های عقلانی و شبه عقلانی غیر از خود عشق نیز توجه دارند.

منتخب ۳۰: عشق به تنهایی برای زندگی کافی نیست، همه‌ی ما نیاز داریم عشق بورزیم و به ما عشق بورزند با این حال یافتن و حفظ ارتباط صمیمانه می‌تواند یکی از بزرگترین چالش‌های زندگی باشد. عشق ضروری است اما به طور حتم هر ارتباط عاشقانه‌ای ارضا کنند و پایدار نخواهد ماند.

منتخب ۳۱: من فردی نامطمئن و متزلزل را برای ازدواج انتخاب کردم و او مرا ترک نکرد، اما بعداً متوجه شدم آن فرد چقدر متزلزل است و او را ترک کردم.

منتخب ۳۲: عشق در واقع احترام گذاشتن به اسرار همسران است، قبول اینکه شما هرگز احساس او را به طور کامل درک نخواهید کرد.

۳. عشق به طبیعت

عده‌ای بر این اعتقادند که بهترین و پاک‌ترین نوع عشق، عشق به طبیعت است؛ آن‌ها بر این باورند که هیچ موجودی به اندازه طبیعت ارزش دوست داشته شدن را ندارد.

منتخب ۳۳: انسان به طوری طبیعی ماهیتاً عاشق طبیعت است و اگر انسان طبیعت را دوست نداشته باشد و یا به دلایلی با ستیز با آن برخورد کند و یا از آن فاصله بگیرد به طور حتم دچار آسیب می‌شود.

منتخب ۳۴: انسان بخشی از طبیعت است، بنابراین نمی‌توان آن را نادیده گرفت. اگر انسان طبیعت را نادیده بگیرد دچار آسیب جدی می‌شود.

منتخب ۳۵: ما نباید آسیب‌ها و مشکلات اقتصادی و اجتماعی خود را بر سر طبیعت خالی کنیم در واقع وقتی این آسیب‌ها به طبیعت وارد می‌شود شاید طبیعت نمی‌تواند در کوتاه مدت آن را جبران کند.

۴. عشق ایثارگرانه

در عشق ایثارگرانه کنش‌گر اجتماعی از منفعت خود عبور می‌کند و به منفعت دیگری توجه می‌کند و در واقع توجه او تنها به دیگری است و نوعی دیگریاری به تمام معنا را دارد.

منتخب ۳۶: در عشق مصلحت‌اندیشی وجود ندارد. فرد عاشق باید بی‌منت از خود عبور کند. بر این مبنا معتقدم در بین زن و شوهرها کمتر عشق وجود دارد چون آن‌ها حاضر نیستند از خود در رابطه‌شان گذر کنند.

منتخب ۳۷: در عشق با کیفیت‌های بالاتر افراد از مناقع خود عبور می‌کنند در چنین عشقی غرور وجود نداشته و هدف صرفاً رضایت طرف مقابل است.

منتخب ۳۸: عشق باید همراه با ایثار و از خودگذشتگی باشد و فقط در دو شکل وجود دارد یکی زمانی که فرد خود را برای کشور و سرزمینشان فدا می‌کند و دومی زمانی که یک فرد برای موفقیت فرزندانش از تمام خواسته‌های خود می‌گذرد مانند عشق مادر به فرزند.

۵. عشق به خود

یکی از اشکال مهم عشق که به آن کمتر توجه می‌شود، عشق به خود است. بسیاری از عرفا بر این اعتقادند که عشق از خود آغاز می‌شود و تا دیگران و جهان هستی ادامه پیدا می‌یابد.

منتخب ۳۹: فردی که خود را دوست دارد تصویر مثبتی از خود ارائه می‌دهد و در واقع این تصویر مثبت باعث می‌شود که بتواند با دیگران مواجه خوب و مثبت داشته باشد.

منتخب ۴۰: دوست داشتن خود به معنای غرور و خود خواهی نیست البته مرز ظریفی بین این دو وجود دارد.

منتخب ۴۱: فردی که خود را دوست دارد نه تنها نکات مثبت را در خود می‌بیند بلکه نقاط ضعف خود را نیز می‌بیند...

منتخب ۴۲: کسانی که خود را دوست دارند از نظر روانی و معنی رشد می‌کنند و در واقع این موضوع باعث می‌شود فرد مهربان تر و دلسوز تر و آرام تر باشد.

منتخب ۴۳: بسیاری فکر می‌کنند که عشق از دنیای بیرون سرچشمه می‌گیرد در حالی که منشأ بسیاری از خوشحالی‌ها و لذت بردن‌ها از زندگی به درون انسان‌ها بر می‌شود و بر این مبنا کسانی که بتوانند به جای استفاده از تلفن همراه و کامپیوتر در ابتدا عشق به خود را تجربه کنند انسان‌های موفق‌تری هستند.

۶. عشق به اشیا

در خصوص میل و عشق به اشیا دو دیدگاه وجود دارد: عده‌ای آن را نوعی اختلال روانی می‌دانند مثل کسی که اشیای درهم و برهم را دور خود جمع می‌کند و خود را در آن خلاصه می‌کند و دسته‌ی دوم معتقدند که نباید اشیا را کم اهمیت و بی‌ارزش جلوه داد. انسان باید بتواند با همه امکانات پیرامون خود ارتباط برقرار کند.

منتخب ۴۴: عشق و اشتیاق به اشیا نشانه‌ای از احترام به جهان هستی است. بچه‌ها باید یاد بگیرند که به همان اندازه که به والدین احترام می‌گذارند به پاک‌کن و تراش و لوازم خود و دیگران احترام بگذارند.

منتخب ۴۵: عشق به اشیا می‌تواند وابستگی اختلال گونه باشد مثل فردی که اتومبیلش را دوست دارد و نمی‌تواند از آن دل بکند و یا حتی در اشکال گوناگون مثل عشق به جمع کردن ثروت و مال، عشق داشتن ملک و املاک و غیره که می‌تواند فرد را به انسانی مادی‌گرا تبدیل کند.

منتخب ۴۶: میل به اشیا تا جایی خوب است تا جایی که به آن‌ها احترام می‌گذارد و از آن‌ها استفاده می‌کند و در جهت تولید و بهره‌بری در تعالی انسانی از آن‌ها مدد می‌گیرد؛ اما وقتی این میل اگر به عشق تبدیل شود، به طور حتم از اشکال ناقص عشق است و او را از تعالی و کمال دور می‌کند؛ انسان باید از اشیا بتواند به عنوان وسیله استفاده کند و اگر اشیا تبدیل به هدف او شوند زندگی اجتماعی او مختل می‌شود و به نوعی شاهد بت پرستی او می‌شویم که با فقدان آن شیء ضربه زیادی به فرد و روابطش با دیگر افراد جامعه می‌شود.

منتخب ۴۶: پدرم ماشینش را مثل بچه هایش دوست دارد و حتی بیشتر.

مقاله‌های بعد کنشی

در این جا لازم به ذکر است که کنش گران در موقعیت مواجه با دیگران بر اساس تفسیرهای ذهنی و تجربیات زیسته در مسیر بازتولید نفرت یا عشق حرکت کردند که در این جا بخشی از فرآیند تولید نفرت نشان داده شده است.

۱. نفرت

منتخب ۴۷: من در دوران کودکی هیچ موقع عشق به مادر را تجربه نکردم، بر همین مبنا در بسیاری از مواقع از دیگران بدم می آید.

منتخب ۴۸: هیچ موقع کنترل عصبانیتم را نداشتم، وقتی عصبانی می شدم با اطرافیانم درگیر می شدم و همین موضوع باعث شده است که هم من از آن ها دور شوم و هم آن ها از من دور شوند.

منتخب ۴۹: آنچه که باعث ایجاد نفرت می شود سرکوب است؛ اگر انسانی نتواند خود را بروز دهد ممکن است به سوی نفرت از خود و همچنین آشنایان و دوستان و دیگران شود.

۲. نفرت علیه عشق

با توجه به نگاه دیالکتیکی این تحقیق می توان گفت وقتی عشق کم رنگ می شود، نفرت خاصیت اوج گیری و بالا آمدگی پیدا می کند و نفرت در تقابل جدی با عشق بروز می کند. نفرت و عشق دور روی یک سکه اند و با هم به صورت موازنه رشد پیدا می کنند. زمانی که یک فرد عاشق چیزی می شود در همان حال نفرت از چیز های دیگری در او زاده می شود و اگر به آگاهی از نفرت نرسد و یا محرک های داخلی و خارجی به او وارد شود هر لحظه شاهد قطبی شدن آن و ابهام آن و همچنین غلبه نفرت بر عشق می شویم.

منتخب ۵۰: نفرت نقطه مقابل عشق است.

منتخب ۵۱: عشق و نفرت با هم در ارتباطند و بر این مبنا به وجود آمدن هر یک از آن ها می تواند به طبع آن، دومی را ایجاد کند. برای مثال وقتی عشق می آید ممکن است بعد از مدتی تنفر نیز پدید آید.

پیامدها

در این جا لازم به توضیح است که در پیامد روند دیالکتیکی بین عشق و خشونت و بالا آمدن خشونت اشکالی از کنش های پرخاش گرایانه با اثرات ناگوار بر دیگران خود را نشان می دهد. همچنین در این قطبی شدگی بروز عشق های توهمی قابل توجه است که می تواند بر روی هر دو کنش گر می تواند تاثیرگذار باشد.

۱. خشونت گلا دیاتوری

یکی از اشکال خشونت را می توان خشونت گلا دیاتوری نامید

منتخب ۵۲: در گذشته پادشاهان از دیدن نزاع و درگیری برده ها با یکدیگر و انسان ها با حیوانات دچار لذت می شدند در واقع برای آن ها دریده شدن انسان ها یک فرایند سرگرم کننده و لذت بخش بوده است بر این مبنا این اتفاق نشان می دهد که گاهی انسان ها در اشکال اختلال آمیز و غیر نرمال از آسیب زدن به یکدیگر لذت می برند.

منتخب ۵۳: در بیماری‌های سادیستیک و مازوخیستیک فرد برای ایجاد تولید رنج در خود و دیگری دچار لذت و هیجان می‌شود. در واقع این گونه افراد با ایجاد آزار و اذیت جسمی و جنسی در خود و دیگران به اوج لذت می‌رسند.

منتخب ۵۴: در رابطه جنسی همواره هم مورد فیزیکی و هم الفاظ رکیک قرار گرفتم که هر دو برایم لذت بخش بوده است.

منتخب ۵۵: من از صحنه‌های خشونت جنسی همیشه لذت می‌برم و در رابطه‌های جنسی خودم نیز آن را تجربه کرده‌ام.

منتخب ۵۶: بارها شاهد این بودم که یک دعوی خیابانی را مردم با چه لذتی نگاه می‌کنند، فیلم و عکس می‌گیرند و حتا می‌خندند و تشویق هم می‌کنند.

۲. خشونت علیه زنان

در این مدل خشونت به دلیل جنسیت خود یعنی زن بودن مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند این خشونت اشکال متعددی دارد که از تهدید آغاز و تا تنبیه و محرومیت و آسیب‌های فیزیکی و روانی ادامه می‌یابد. در بسیاری از موارد زنان مورد مصاحبه تجربه انواع خشونت‌های دیگر را داشتند و چه بسا تمام آن‌ها را در دوران مختلف زندگی از کودکی تا میان‌سالی در خانه و مدرسه و خیابان و محیط کار برای خودشان یا هم‌جنس‌شان تجربه و مشاهده کرده بودند.

منتخب ۵۷: خشونت‌های زبانی و کلامی بیشتر زنان را آزار می‌دهد و امرونهی کردن و باید و نبایدها در جامعه و دخالت‌کردن و محدودکردن زنان در جامعه از نظر روحی بسیار آسیب‌زاست.

بسیاری از مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که خشونت علیه زنان از اشکال ظریف تا مدل‌های تکان‌دهنده وجود داشته و اکثر زنان آن را تجربه کرده‌اند.

منتخب ۵۸: برادرم غیرتی بود و اگر ما را در کوچه و در حال خندیدن و یا حتا آرایش می‌دید ما را کتک می‌زد، یک بار به خاطر اینکه در خانه مزاحم تلفنی داشتیم پدر و برادرم کتک زده‌اند و تا چند روز نتوانستم به مدرسه بروم و به خاطر همین فشارها زود ازدواج کردم و بعد از سه سال از پسر عمویم جدا شدم... چون پسر عمویم هم از همان خانواده بود و من را کتک می‌زد و فحش می‌داد.

گاهی نیز خشونت به شکل تهدید یا عمل فیزیکی غیر انسانی دیده می‌شود.

منتخب ۵۹: خشونت آنی به سر وقت پدرم می‌آمد و یک بار با کارد آشپزخانه، دنبال مادرم کرد و یک بار بینی و دست مادرم را شکست، اما هیچ‌وقت به پزشکی قانونی مراجعه نکرد.

منتخب ۶۰: چند بار پدرم، مادرم را زداست و من به عنوان واسطه بین آن‌ها بودم و پدرم به سمت مادرم لیوان پرتاب کرد و من چون بغلش بودم لیوان به دست من خورد و لیوان و دست من شکست، او در جایی دیگر بیان می‌کند که یک بار هم در این زدوخوردها دست مادرش هم شکسته است که کار به بیمارستان کشیده است. او اضافه می‌کند که

پدرش آدم بددهنی است و به هرچیزی فحش و ناسزا می‌گوید و هر بار که این دو با هم دعوا مشاجره داشتند کودکان و مادر خانواده از بیرون رفتن محروم می‌شدند.

منتخب ۶۱: یک بار به علت بلند خندیدن در جمع از پدرش کتک خورده و همچنین برادرش او را به خاطر اینکه نامه ای عاشقانه به حیاط خانه آن‌ها افتاده بوده است او و خواهرش را کتک زده است.

منتخب ۶۲: با دختری دوست بودم و یک بار برادرش من و او را در خیابان دیده بود وقتی به خانه رفته بود به شدت از برادرش کتک خورده بود و ما چند وقت نتوانستیم هم دیگر را ببینیم

منتخب ۶۳: از یک تجربه شخصی خود می‌گویند: یک بار از طرف همسر سابقم مورد خشونت جسمی قرار گرفتم و او داشت من را خفه می‌کرد.

۳. خشونت علیه کودکان

خشونت علیه کودکان در قالب‌های کودک‌آزاری، شناسایی و ردیابی می‌شود و شامل انواع آزارهای جسمی و جنسی و کلامی علیه آنان است.. این خشونت از دوران کودکی از خانواده‌ها آغاز و به طبع آن بعد ها در مدرسه و خیابان ادامه می‌یابد.

منتخب ۶۴: از پدرم یک بار کتک خوردم که هیچ بار از خاطر نمی‌رود.

منتخب ۶۵: از خواهر بزرگترم که معمولا زورگو بود چند بار کتک خوردم.

منتخب ۶۶: خانواده ما به شدت مذهبی است و اگر چیزی مخالف عقاید آنها بود حتما من را کتک می‌زدند، بارها از مادر و پدرم سر اینجور مسائل کتک خوردم و یادم می‌آید یک بار برادرم روی فرش دستشویی کرد و به شدت از مادرم کتک خورد. ما به همین واسطه از پدر و مادرم خیلی حساب می‌بردیم.

۴. خشونت علیه سالمندان

سالمندآزاری از منظر سازمان بهداشت جهانی یکی از اشکال نقض حقوق انسانی است که به شکل غفلت و سلب اختیار استثمار مالی آزارهای جسمی و جنسی و روانی خود را نشان می‌دهد. مهمترین نکته ای که در خصوص سالمندان باعث آزار روانی آنها می‌شود، طرد شدگی است.

منتخب ۶۷: بسیاری از سالمندان از تنهایی وحشت دارند و وقتی فرزندان آنها، آن‌ها را نادیده می‌گیرند دچار آزار و اذیت می‌شوند.

منتخب ۶۸: مهمترین مساله سالمندان با نسل قبل از خود ریشه در مسائل مالی دارد اگر سالمندی اثری مناسب برای فرزندان نداشته باشد و یا به طور انصاف تقسیم مال نداشته باشد ممکن است به مرور کرامت و احترام خود را از دست بدهد.

منتخب ۶۹: یکی از اشکال خشونت علیه سالمندان بی‌توجهی به حقوق و زندگی شهروندی آنهاست؛ مثلا وقتی که یک سالمند ویلچیری به دلایلی نمی‌تواند از مترو، سینما، موزه و غیره استفاده کند، این گویای این است که ما عملا او را از زندگی اجتماعی حذف کرده‌ایم.

۵. عشق توهمی

عشق توهمی یکی از گونه‌های عشق آسیب‌زاست.

منتخب ۷۰: کسانی که در دوران کودکی دچار اختلالات روانی می‌شوند در دوران بزرگ سالی دچار عشق توهمی می‌شوند؛ زیرا آن‌ها خاص‌هایی از زوج خود دارند که مربوط به سن و سال‌شان نیست؛ مثلاً فردی که به شدت وابسته به شریک خود می‌شود به این بر می‌گردد که گونه‌های رشد صمیمیت در او اتفاق نیفتاده است و او نتوانسته از وابستگی کورکورانه به وابستگی مستقل گذر کند. او در ادامه می‌گوید در اینجا فرد حمایتی را طلب می‌کند که بیشتر به مراقبت‌های کودکانه شبیه است تا احساس لذت بردن از یکدیگر و در کنار هم بودن.

منتخب ۷۱: نوع دیگری از این نوع عشق‌ها عشقی است که فرد از روی سرخوردگی‌ها و ناکامی‌های درونی و روانی به دیگران روی می‌آورد و گاهی نیز افراد به پارت‌تر خود می‌چسبند برای اینکه ترس از طرد شدگی دارند، برخی نیز قدرت شکل‌دهی و ورود به رابطه جدید را ندارند.

منتخب ۷۲: یک نوع مرسوم توهم‌عاشقی را (اروتومانیا) فرد مرتباً تصور می‌کند یک نفر او را عاشقانه دوست دارد و مرتباً برای او پیام می‌فرستد اما چنین کسی وجود ندارد.

منتخب ۷۳: عشق توهمی بیشتر ریشه در این دارد که فرد می‌کند سلبریتی‌ها و افراد مشهور عاشق او هستند به همین دلیل دچار خود بزرگ بینی می‌شود. عموماً این گونه افراد دچار اختلال کمبود توجه می‌شوند و اعتیاد به مواد مخدر و الکل نیز دارند بر همین اساس بعضاً این افراد ورود به روابط و رفتارهای پرخطر و تهاجمی می‌کنند که می‌تواند ماه‌ها و سال‌ها طول بکشد.

با توجه به نتایج حاصله از این پژوهش از کدگذاری‌های باز و محوری و تبیین کدگذاری‌های انتخابی نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مقوله‌ی مرکزی اثر گذار بروز و ظهور خشونت است. در واقع در فرایند اجتماعی داده‌های ناشی از مصاحبه نشان می‌دهد که روندهای بسیاری برای بروز خشونت وجود دارد.

بر این مبنا با نگاهی به شکل مشخص می‌شود که خشونت در اثر عوامل متعددی بروز و ظهور می‌کند؛ این روندها نشان می‌دهد که تجربه‌ی زیسته‌ی افراد تعاملات اجتماعی، وضعیت تعاملی و تقابلی حال فرد با دیگران، در شکل‌گیری و گسترش خشونت موثر است. خشونت را نمی‌شود طبق این تحقیق یک جریان اتفاقی و گذرا دانست و نتایج نشان می‌دهد که خشونت کنشی است که پی‌درپی به دنبال صدمه زدن به خود و یا دیگری است. نتیجه مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که کاهش ظرفیت‌های جامعه و تاب‌آوری از یک طرف و گسترش الگوهای خشونت‌زا از سوی دیگر، ضعف در آموزش‌های مهرورزانه، فقدان شرایط رشد فرهنگ شهروندی، عدم مدیریت خشم در موقعیت، باعث افزایش پرخاشگری و خشونت در جامعه شده است؛ بنابراین در اینجا نقش عوامل ساختاری بر بروز و ظهور رفتارهای نابارور در سطح کنش‌حائز اهمیت است. مسائلی مانند فقر اعتیاد، بیکاری افسردگی، بخشی از عواملی است که شرایط را با بحران مواجه ساخته است، بر این مبنا داده‌ها در این تحقیق نشان می‌دهد که گزینه‌های پرخاشگرایانه در انسان به مرور تقویت شده و در موقعیت زمانی و مکانی فرصتی را برای بروز پیدا می‌کنند؛

مثلاً ممکن است یک محرومیت در دوره‌ای از زندگی محرکی برای انباشت پرخاشگر باشد، یا نبود آن مجال و فرصت برای تخلیه‌ی پرخاشگری در بستر اجتماع مناسب، زمینه را برای آشکار شدن کنش پرخاشگرانه مهیا سازد. در اینجا موقعیت‌های صحنه‌های اجتماعی می‌تواند زمینه را برای گسترش خشونت افزایش دهد؛ مانند ایجاد فرصت‌هایی برای درگیری در کوچه و خیابان، چالش‌های عدم ارتباط بین شهروندان بخشی از عواملی است که شرایط را برای تقویت خشونت آماده می‌سازد.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

این تحقیق نشان داده است که عشق و خشونت و نفرت به طور مدام در حال بازتولید است و در هر لحظه ممکن است عشقی به نفرت یا نفرتی به عشق مبدل شود و یا خشونت‌ی زمینه‌های عبور از عشق به نفرت را فراهم آورد. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که در این تحقیق از جریان پویای دیالکتیک در روندهای سیال ذهن استفاده شده است و این‌ها شرایطی را ایجاد کرده‌اند که عاملیت و ساختار، به شکل دو سویه بر روی هم تاثیر گذار باشند. بر این مبنا تحقیق و مصاحبه‌های صورت گرفته از سوژه‌ها نشان می‌دهد که در طول تاریخ زیست یک نفر اگر نفرت پدید آمده در پی آن عشق نیز دیده شده است و یا اگر خشونت‌ی ایجاد شده است در پی آن نفرتی نیز بازتولید شده است. یکی از تاثیرگذارترین نهادها در گسترش عشق و خشونت و نفرت خانواده است. تحقیق نشان می‌دهد در خانواده‌هایی که وضعیت اقتصادی دچار افول و رکود شده است ارتباط بین اعضای خانواده دستخوش تغییرات اساسی شده است؛ یعنی در دوره‌های رکود یا تورم بیشتر شاهد تبدیل عشق به نفرت و پرخاشگری و خشونت هستیم؛ نکته دیگر اینکه بین اعضای خانواده نیز عشق و نفرت بنا به فراخور موقعیت زیست آن‌ها شکل گرفته است. نکته‌ی دیگر این که تغییر معنای همسایگی نسبت به جامعه‌ی سنتی موضوع قابل توجهی است؛ یکی از موضوعات مهم، مسئله‌ی مالکیت در بازتولید عشق یا نفرت موثر بوده است که در این تحقیق مصاحبه‌شوندگان به آن توجه ویژه‌ای داشتند. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان، تاکید کردند که مسئله‌ی اقتصادی عاملی اساسی در کنترل دیگران بر جان و تن آنان است؛ به عبارت دیگر در اینجا اقتصاد است که ساختار طبقات و اثر گذاری طبقه‌ی دارا بر نادر را مشخص می‌کند بر این مبنا نتایج پژوهش نشان می‌دهد که زنان و کودکان به دلیل موقعیت پایین‌تر که از لحاظ مالی و اقتصادی بعضاً در ایران دارند، تحت سلطه‌ی مردان و انحصار آنان قرار می‌گیرند. نکته دیگر در برخی از ازدواج‌ها اگرچه عشق آغازگر آن است اما شرایط اقتصادی نابرابر بین زن و مرد و دسترسی بالاتر مردان به منابع اقتصادی، مالکیت آنها بر تن و بدن و حتا سرنوشت و آینده خود آنان حذف کرده و نفرت عمیقی را در اشکال پنهان و آشکار ایجاد کرده است که بعضاً باعث بروز و ظهور کنش‌های خشونت‌آمیز شده است. یکی از موضوعات مهم که در این مصاحبه‌ها خود را نشان داده است، بازتولید همزمان عشق و نفرت است، در واقع وجود روندهای دیالکتیک عشق و نفرت در کنش‌گران اجتماعی مسئله‌ی بارز و مهم در این تحقیق است. مصاحبه‌شوندگان تاکید کردند که در بسیاری از موارد در حالی که همسرشان را دوست داشتند از آنها متنفر شده‌اند و یا صورت‌بندی دیگر این بود که وقتی که عاشق کسی می‌شدند از دیگران به ویژه خانواده‌ی خود فاصله می‌گرفتند و یا سرکوب عشق

آنان توسط خانواده یا شکست عشقی باعث ایجاد تنفر در آنان شده است. در واقع در اینجا دوستی و دشمنی در قالب عشق و نفرت خود را باز تولید کرده و در کنش کنشگران خود را نشان می‌دهد؛ که از نکات برجسته‌ی این پژوهش به حساب می‌آید. از دیگر نکات مهم این تحقیق این است که اگرچه مقوله‌ی عشق به لحاظ پدیدارشناسی یا یک رخداد یا یک پدیده‌ی اجتماعی همواره وجود دارد اما تاکید این پژوهش بر شکل‌گیری عشق در رابطه است. شایان ذکر است که خود در رابطه با دیگری بروز رفتار و احساس گوناگونی از خود را نشان می‌دهد که دیگری در این پژوهش به صورت در نظر گرفته شده است. دیگری به مثابه خود، دیگری به مثابه خدا، دیگری به مثابه انسان کنش‌گر، دیگری به مثابه طبیعت. در واقع در هر موقعیت، اشکال جدیدی از عشق یا نفرت باز تولید می‌شود و نتایج نشان می‌دهد که اشکال زیر را می‌توان به صورت زیر مشاهده کرد. خود در مواجهه با خود = عشق / خود در مواجهه با خود = نفرت / خود در مواجهه با خدا = بی‌تفاوتی / خود در مواجهه با خدا = عشق / خود در مواجهه با خدا = نفرت / خود در مواجهه با خدا = بی‌تفاوتی / خود در مواجهه با طبیعت = عشق / خود در مواجهه با طبیعت = نفرت / خود در مواجهه با طبیعت = بی‌تفاوتی / خود در مواجهه با کنش‌گر اجتماعی = عشق / خود در مواجهه با کنش‌گر اجتماعی = نفرت / خود در مواجهه با کنش‌گر اجتماعی = بی‌تفاوتی / این حالاتی است که در این پژوهش خود را نشان داده است. یکی دیگر از نکات اشاره شده طبق نظر مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش دوست داشتن، مراحل و مسیرهای مختلفی را در هر فرد طی می‌کند، در کودکی کودکان دوست داشتن خود را مبتنی بر تایید و عدم تایید بزرگسالان به دست می‌آورند و اگر این تایید نباشد بعضاً پرخاشگر و خشونت‌ورزی می‌کنند؛ اما در بزرگسالان دوست داشتن وابسته به تایید و عدم تایید دیگران نیست و مستقل از آنان عمل می‌کند. یکی از پدیده‌های موثر در رفتار کنش‌گران قرار گرفتن آنان در مقابل رسانه هاست. اکثر مصاحبه‌شوندگان بر این اعتقاد هستند که رسانه به ویژه تلویزیون به دلیل نمایش صحنه‌های خشونت‌آمیز عامل بازتولید آن است. همچنین مصاحبه‌شوندگان اعتقاد داشتند که صفحات روزنامه‌ها نقش پررنگی در پرخاشگری و خشونت دارد. علاوه بر این تحقیقات در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که بیشتر کامنت‌ها علیه یکدیگر بوده و در کل صفحات خشونت‌آمیز و صحنه‌های پرخاشگرانه، بیشتر بازدید می‌شود. در تیپ‌شناسی عشق‌های مختلف در این تحقیق، عشق شهوانی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ اما مردم به عشق الهی علاقه‌مندی نشان می‌دهند، اما این عشق را کمتر دست‌یافتنی و قابل لمس می‌دانند. از طرف دیگر این تحقیق نشان می‌دهد که اگر عشق جنسی جایگاه ویژه‌ای برای جوانان دارد، اما تابوهای عشق نیز در جامعه به وفور وجود داشته و در روند کنشی آن‌ها تاثیر گذار است و همچنین در بعضی از موارد سرکوب نیروهای عشق، منجر به بروز نفرت و بعد از آن پرخاشگری و خشونت شده است. یکی دیگر از نکات مهم در مصاحبه‌های این پژوهش این است که زنان نسبت به مردان بیشتر در معرض خشونت قرار دارند و از این منظر آن‌ها هم در خانواده و هم در مدرسه بیشتر با رفتارهای متعارض مواجه می‌شوند. بر این مبنا نگرش زنان آسیب‌دیده به عشق بیشتر توأم به چرخش بین عشق، خشونت و نفرت است؛ که بعضاً باعث می‌شود فرد فکر کند در حال ظهور و بروز رفتار عاشقانه است اما در عمل کنش او پرخاشگرانه و تهدید‌آمیز و مخل آزادی طرف مقابل است. در

این تحقیق نشان داده شده است که مدرسه نقش پررنگی در ظهور و بروز دیالکتیک عشق و نفرت و خشونت دارد و عموماً نزاع بین کودکان، تاثیر فضای مجازی بر دانش‌آموزان و ناتوانی معلمان در مدیریت آنان، عامل بروز زورگویی و خشونت است؛ اما در کنار این موضوع معلمان نمونه‌ای هم نام برده و یاد شده است که تاثیر مثبتی و عاشقانه ای بر دانش‌آموزان داشته اند.

منابع

۱. باومن، زیگمونت (۱۳۹۴) عشق سیال، ترجمه: عرفان ثابتی، تهران: انتشارات ققنوس
۲. تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۹۶) جامعه شناسی نظری: مبانی، اصول، مفاهیم و قواعد. تهران: بهمن برنا
۳. تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۹۵) بازشناسی تحلیلی نظریه های مدرن جامعه شناسی: دوران مدرنیته اخیر، تهران: بهمن برنا
۴. تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۹۱) بازشناسی تحلیلی نظریه های مدرن جامعه شناسی: دوران مدرنیته در گذار، تهران: علم
۵. تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۹۰) درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی. تهران: بهمن برنا.
۶. تنهایی، حسین ابوالحسن و نکهت، جواد و حسینی فر، مریم السادات (۱۳۹۵) شیوه پایان نامه نویسی با راهبرد های قیاسی، استقرایی و کنش پژوهی، تهران: بهمن برنا
۷. جلائی پور، حمیدرضا و گرامی نیک، محمد (۱۳۹۰) «نگاهی به مدرنیته در ایران از دریچه روابط شخصی؛ ارزیابی مفهوم «رابطه ناب» گیدنز». مجله علوم اجتماعی دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشکده فردوسی مشهد، ۱۹۱-۵۲.
۸. خاکی، غلامرضا (۱۳۹۵) روش تحقیق (با رویکرد پایان نامه نویسی). تهران: فوژان
۹. ساوه درودی، اشکان (۱۳۹۶)، مطالعه جامعه شناختی پنداشت های عشق، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۱۰. شلر، ماکس (۱۳۸۸) قرار بشر در عالم کیهانی، ترجمه منوچهر اسدی، تهران انتشارات پرسش
۱۱. شلر، ماکس (۱۳۹۲) کین توزی، ترجمه صالح نجفی، تهران: ثالث
۱۲. طاهر، محبوبه و ابوالقاسمی، عباس و حاجلو، نادر و نریمانی، محمد. (۱۳۹۵). اثربخشی و مقایسه آموزش های همدلی و مدیریت خشم بر شناخت اجتماعی کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله ای، دوفصلنامه علمی- پژوهشی شناخت اجتماعی، ۵(۱۰)، ۹۱-۷۰.
۱۳. طلوعی، علی (۱۳۹۷) جامعه شناسی عشق، تهران: جامعه شناسان
۱۴. علیرضائزاد، سهیلا (۱۳۹۷) جامعه شناسی عشق، تهران: دانژه
۱۵. فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵) روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تاکید بر "نظریه ی برپایه" (گراند تئوری GTM)، تهران: آگاه

۱۵. فرایا، هلن (۱۳۹۱) خشونت در تاریخ اندیشه فلسفی، ترجمه عباس باقری، تهران: فرزانه
۱۶. فروغی، مارال (۱۳۹۷) بررسی تفسیری درک عاشقانه دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی منطقه ۴ شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام
۱۷. فروم، اریک (۱۳۹۵)، دل آدمی، ترجمه گیتی خوشدل، تهران: پیکان
۱۸. فروم، اریک (۱۳۹۴). هنر عشق ورزیدن، ترجمه پوری سلطانی. تهران: مروارید.
۱۹. فروم، اریک (۱۳۸۸) هنر عشق ورزیدن، ترجمه سمیه سادات آل حسینی. تهران: جاجرمی
۲۰. فلیک، اووه (۱۳۹۴) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نی
۲۱. کسل، فیلیپ (۱۳۸۳) چکیده آثار آنتونی گیدنز، ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر ققنوس
۲۲. کریمی، فاطمه (۱۳۹۵) تراژدی تن، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
۲۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴) پیامدهای مدرنیت، ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: نشر مرگ
۲۴. نوابی قمصری، نجمه سادات (۱۳۹۷) بررسی تفسیری درک عاشقانه دانش‌آموزان در مدارس متوسطه نوبت اول و دوم شهر قمصر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام

25. Culpeper, j (2013) "impoliteness: Questions and Answers", in aspects of linguistic impoliteness, Denis jamet and Manual Jobber (eds.) Cambridge Scholars Publishing.2-15
26. Giddense,Anthony (1992) The Transformation of intimacy Sexuality,Love and Eroticism in modern Societies, Stanford, California: Stanford University press
27. Gallup Inc.